

دیوان بین‌المللی دادگستری سرانجام
به دو پرسش مهم، پاسخ داد

■ جنگ‌افزارهای هسته‌ای؛ از تهدید تا محیط زیست

دفتر بررسی‌های حقوقی

تصویب قطعنامه ۴۹/۷۵K از دیوان تقاضا کرده بود که سریعاً اعلام کند که آیا تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای در هر شرایط طبق حقوق بین‌الملل مجاز است؟
پیش از طرح این سؤال، مجمع سازمان بهداشت جهانی نیز در تاریخ ۱۴ ماه مه ۱۹۹۳ از دیوان بین‌المللی دادگستری خواسته بود که نظر خود را در قبال سؤال زیر صادر کند:

پیش‌نوشتار
دیوان بین‌المللی دادگستری، رکن قضائی اصلی سازمان ملل متحد، در هجدهم تیرماه ۱۳۵۷ (۸ ژوئیه ۱۹۹۶) نظر مشورتی خود را در خصوص سؤال مطرح شده از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد راجع به مشروعیت یا عدم مشروعیت تهدید یا به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرد. مجمع عمومی در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۴ با



مضعف افزایش یافت. همزمان با آن، وقوع مسابقه تسلیحاتی دو ابرقدرت و انباشت و ذخیره‌سازی و توسعه کتی و کبفی سلاح‌های هسته‌ای، نابودی حیات بشر و کمره زمین را در صورت شروع جنگ هسته‌ای، بدل به امری محتمل الوقوع نمود.

همین امر سبب شد که تلاش‌های متعددی برای محدود کردن و در نهایت محو سلاح‌های هسته‌ای آغاز شود. در نتیجه این تلاش‌ها، معاهدات متعددی منعقد شده است که به موضوعاتی از قبیل منع آزمایش‌های هسته‌ای در جو، فضای ماورا جو و زیر آب، عدم استقرار سلاح‌های هسته‌ای در بستر وزیر بستر دریاها و عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای اختصاص دارد. همچنین برخی از مناطق جهان، نظیر امریکای لاتین و جنوب اقیانوس آرام، مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای شناخته شده است. سال گذشته معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (مورخ ۱۹۶۸ میلادی) که مدت اعتبار آن فقط ۲۵ سال در نظر گرفته شده بود، طی یک کنفرانس تجدیدنظر برای مدت نامحدودی تمدید شد. هم‌اکنون نیز مذاکره بر سر منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای و خلع سلاح کامل هسته‌ای همچنان ادامه دارد.

به رغم آن‌که جامعه بین‌المللی توانسته است در مورد ممنوعیت کامل برخی سلاح‌های کشتار جمعی، مانند سلاح‌های شیمیایی و میکروبی به تفاهم و توافق برسد، چنین امری در مورد سلاح‌های هسته‌ای هنوز تحقق نیافته است. عملاً دولت‌ها دو

با توجه به آثار بهداشتی و زیست‌محیطی سلاح‌های هسته‌ای، آیا استفاده یک دولت از این سلاح‌ها در هنگام جنگ یا مخاصمه‌ای مسلحانه، نقض تعهدات آن دولت به موجب حقوق بین‌الملل و از جمله نقض اساسنامه سازمان بهداشت جهانی خواهد بود؟

اگرچه پرسش سازمان بهداشت جهانی بیش از یک سال و نیم قبل از قطعنامه ۴۹/۷۵K مجمع عمومی مطرح شد و در آن زمان، قسمتی از جریان رسیدگی، یعنی نظرخواهی کتبی از دولت‌ها، آغاز شده بود، با وجود این، دیوان به دلیل ارتباط و مشابهت دو سؤال، تصمیم گرفت سایر مراحل رسیدگی به دو پرونده را همزمان انجام دهد. به همین دلیل جلسه استماع دو پرونده، همزمان در مقر دیوان در لاهه برگزار شد و رأی نهایی دیوان در هر دو پرونده نیز همزمان در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ صادر شد.

۱- اهمیت موضوع

ناگفته پیداست که پرسش‌های مطرح شده نزد دیوان از اهمیت فراوانی در جامعه بین‌المللی امروز برخوردار است. از زمانی که شهرهای هیروشیما و ناگازاکی در جریان جنگ جهانی دوم، هدف بمب‌های اتمی امریکا قرار گرفتند. افکار عمومی جهانی نگران آن بوده است که دارندگان این نوع سلاح‌ها، بار دیگر از آن استفاده کنند. با پیشرفت تکنولوژیک، ساخت سلاح‌های هسته‌ای، آثار ویرانگر ناشی از آن به طور

نفع یکی از آنها قلمداد شود.

۲- موضعگیری دولت جمهوری اسلامی ایران

دولت جمهوری اسلامی ایران از ابتدای طرح موضوع به دلایل چندی، درخواست رأی مشورتی از دیوان در خصوص مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای را با علاقه و جدیت پیگیری کرد. نخست آن‌که، دولت ایران یکی از اعضای معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است که به استفاده صلحجویانه از سلاح‌های هسته‌ای متعهد بوده و بارها بر این تعهد تأکید کرده است. تأسیسات هسته‌ای ایران همواره در معرض بازدید بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است و گزارش‌های آژانس مذکور صلح‌آمیز بودن آنها را به رغم اتهام‌های ناروا تأیید کرده است.

از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی کشور ایران در منطقه خاورمیانه که همواره صحنه تنش‌ها و بحران‌های بین‌المللی بوده است، اهمیت منابع امنیتی آن را در این چارچوب، بیشتر نمایان می‌کند. حضور دولت‌های دارنده سلاح‌های هسته‌ای در این منطقه دستیابی رژیم اشغالگر قدس به این سلاح‌ها، تهدیدی علیه امنیت ایران به حساب می‌آید و به این دلیل بوده است که جمهوری اسلامی ایران، همواره خاورمیانه را منطقه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای معرفی حمایت کرده است.

موضع کاملاً متفاوت بر سر این امر اتخاذ کرده‌اند. گروهی که خود سلاح هسته‌ای دارند یا در چهارچوب ترتیبات دفاع دستجمعی نظیر ناتو تحت چتر حمایتی دولت‌های صاحب سلاح هسته‌ای هستند تاکنون زیر بار هیچ‌گونه تعهدی برای خلع سلاح کامل هسته‌ای نرفته‌اند. در مقابل دولت‌های دیگری هستند که سلاح هسته‌ای ندارند و معتقدند که در جهان عاری از هر گونه سلاح هسته‌ای، همه دولت‌ها می‌توانند در امنیت زندگی کنند. این گروه از دولت‌ها عمدتاً نهضت عدم تعهد را شامل می‌شوند و علاوه بر آن برخی از متحدان سنتی غرب، نظیر استرالیا، نیز در بین آنها دیده می‌شود.

بحث پیرامون وضعیت قسومی، سلاح‌های هسته‌ای و مشروعیت یا عدم مشروعیت آنها، در غیاب معاهده‌ای جامع و جهان شمول، نهایتاً منجر به درخواست رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری شد که از سوی گروه دوم، یعنی طرفداران خلع سلاح کامل هسته‌ای و عدم مشروعیت این سلاح‌ها، مطرح شد.

این که آیا طرح چنین سؤالی به نفع جامعه بین‌المللی بوده است یا خیر، مطلبی است که باید در آینده و در جریان مراحل بعدی مذاکرات خلع سلاح به چشم دید. اما از ابتدا پیش‌بینی می‌شد که دیوان بین‌المللی قادر نیست پاسخی قطعی در جهت رد یا تأیید نظر هر یک از دو گروه ارائه کند، هر چند ممکن است روح کل پاسخ دیوان، به



کرد همزمان با کاربرد آن این اصول نیز رعایت شود. کاربرد سلاح‌های هسته‌ای همچنین با تکالیف طرف‌های متخاصم در قبال کشورهای بی‌طرف منایرت پیدا می‌کند.

گذشته از اینها امروز در سطح بین‌المللی مجموعه قواعدی برای حمایت محیط زیست شکل گرفته است که حتی در زمان جنگ، خسارات شدید و گسترده و درازمدت به محیط زیست را منع می‌کند: استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به طور قطع چنین خساراتی را بر جای خواهد گذارد.

نهایتاً از مجموعه این شواهد چنین استنتاج شده است که باور و اعتقادی حقوقی در جهت ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای در سطح بین‌الملل شکل گرفته و از دیوان خواسته شده است که بر این باور حقوقی صحه بگذارد.

آنچه در پی می‌آید خلاصه‌ای است از رأی دیوان در مورد صلاحیت خود در قبال دو سؤال مطرح شده از سوی سازمان بهداشت جهانی و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و نظر مشورتی آن در خصوص سؤال مجمع عمومی این متن بر اساس بیانیه‌های مطبوعاتی دیوان تهیه شده است و به همین دلیل بسیار مختصر و موجز است. بدیهی است با توجه به اهمیت موضوع،

۱. برای مطالعه ترجمه فارسی اظهارات نماینده جمهوری اسلامی ایران در جلسه استماع دیوان رجوع کنید به: محمد جواد ظریف، جمشید ممتاز و سعید میرزایی ینگجه؛ «ممنوعیت تهدید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای: قضیه درخواست رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه سازمان ملل متحد، سال اول، ش یک، بهار ۱۳۷۵، ص ۱۸۸۸.

بر همین اساس و با درک اهمیت رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جمهوری اسلامی ایران در جریان رسیدگی کتبی و شفاهی به این پرونده فعالانه شرکت داشته و مواضع خود را اعلام کرده است.^۱

به طور خلاصه، دولت جمهوری اسلامی ایران در این پرونده کوشش کرد تا ضمن اثبات صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای پاسخگویی به سؤالات مطرح شده، دلایل روشنی برای غیرقانونی بودن تهدید و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای ارائه کند. تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای از دیدگان دولت ایران، از مصادیق توسل به ترور است که در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد منع شده است. این اصل در اسناد متعدد دیگری تأکید و تأیید مجدد شده است.

از سوی دیگر، حتی در صورت بروز درگیری مسلحانه بین دو یا چند دولت، متخاصمین ملزم به رعایت اصول و قواعد حاکم مخاصمات و حقوق بشردوستانه بین‌الملل هستند که از معاهدات متعددی نظیر کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ ناشی می‌شود و امروز اعتقاد بر آن است که اکثر این مقررات به صورت تعهدات عرفی در آمده است. دو اصل مهم در این چارچوب عبارت از: عدم آزادی طرف‌های متخاصم در انتخاب وسایل و شیوه‌های جنگی و ضرورت تفکیک افراد رزمنده و غیررزمنده و اهداف نظامی و غیرنظامی. آثار تخریبی سلاح‌های هسته‌ای به حدی است که نمی‌توان تصور

حقوق

به موجب بند ۱ این ماده، دیوان می‌تواند در هر مسئله حقوقی به تقاضای هر سازمان یا مؤسسه‌ای که منشور ملل متحد اجازه داده است یا بر طبق منشور چنین اجازه‌ای را کسب کرده است، رأی مشورتی بدهد.

در مقایسه با پرونده‌های توافقی که تاکنون دیوان با آنها سر و کار داشته است، در پرونده‌های مشورتی موضوع احراز صلاحیت دیوان از اهمیت کم‌تری برخوردار بوده است، به گونه‌ای که تا قبل از صدور رأی مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶، دیوان بین‌المللی دادگستری به هیچ‌یک از تقاضاهای رأی مشورتی پاسخ منفی نداده بود. دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نیز تنها در یک مورد و به دلیل عدم عضویت یکی از طرف‌های اختلاف در جامعه ملل، از صدور رأی خودداری کرد.^۲

در پرونده‌های مربوط به مشروعیت به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای موضوع صلاحیت دیوان و ضرورت پاسخگویی به این درخواست‌ها به طور جدی بحث شده بود، زیرا گروهی از دولت‌ها به طور جدی استدلال می‌کردند که شرایط لازم برای

ضروری خواهد بود که پس از انتشار متن کامل رأی دیوان و نظرهای قضات موافق و مخالف، مطالعه و تحقیق جامعی در مورد این موضوع صورت گرفته و در موقع خود منتشر شده است.

۳- اعلام نظر دیوان بین‌المللی دادگستری درباره صلاحیت مشورتی

صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راه‌حلی است که بر اساس آن دیوان بتواند به ارکان سازمان ملل متحد و نیز آژانس‌های تخصصی ملل متحد در قبال سؤال‌های حقوقی که در عمل با آن مواجه می‌شوند رهنمودهای لازم را ارائه کند.^۱ الگوی اولیه صلاحیت مشورتی از دیوان دائمی دادگستری^۲ که سلف دادگاه کنونی، در زمان جامعه ملل محسوب می‌شد، اخذ گردیده است.

در ماده ۹۶ منشور که مبنای حقوقی صلاحیت دیوان در این زمینه است، مقرر شده است که مجمع عمومی و شورای امنیت می‌توانند در مورد هر مسئله حقوقی از دیوان تقاضای نظر مشورتی کنند. سایر ارکان سازمان ملل و نیز آژانس‌های تخصصی ملل متحد با تصویب مجمع عمومی، اختیار درخواست نظر مشورتی دیوان را کسب می‌کنند.

ماده ۶۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به موضوع صلاحیت مشورتی اختصاص یافته است.

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی رجوع کنید به: سعید میرزایی ینگجه، «صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری»، مجله سیاست خارجی، سال نهم، ش ۳، (پاییز ۱۳۷۴)، ص ۱۲۳۹-۱۲۵۶.

2. Permanent Court of International Justice.

۳. در پرونده Eastern Carelia که اختلاف مابین شوروی و هند مطرح بود، شورای جامعه ملل از دیوان دائمی، تقاضای نظر مشورتی کرد. دیوان به علت عدم عضویت شوروی در جامعه ملل از اجابت این درخواست خودداری کرد. (سعید میرزایی ینگجه، همان، ص ۱۲۴۷).



مخرب دیگر بر سلامت انسان‌ها بپردازد و اقدامات پیشگیرانه‌ای برای حمایت از افراد اتخاذ کند، اما سؤالی که این سازمان مطرح کرده است به موضوعی دیگر مربوط است؛ یعنی مشروعیت به‌کارگیری سلاح‌ها در پرتو آثار بهداشتی و زیست محیطی آنها. دیوان بر این نکته تصریح کرده است که آنچه به موجب اساسنامه در صلاحیت سازمان بهداشت جهانی قرار می‌گیرد، وابسته به مشروعیت اعمالی نیست که موجب چنین آثار بهداشتی و زیست محیطی می‌شوند.

دیوان برای توضیح این مطلب به مقایسه صلاحیت‌ها و اختیارات سازمان‌های بین‌المللی با دولت‌ها، پرداخته و معتقد است که سازمان‌های بین‌الملل برخلاف دولت‌ها صلاحیت عام و کلی ندارند. سازمان‌ها تابع «اصل تخصیص»^۱ هستند که به موجب آن اختیاراتشان محدود به مواردی می‌شود که برای تحقق منافع مشترکی که دولت‌های عضو بر عهده آن سازمان گذاشته‌اند، ضرورت دارد. از این دیدگاه و با در نظر گرفتن اختیارات سازمان بهداشت جهانی، دیوان، سؤال در مورد مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را مغایر اصل تخصیص شناخته است. علاوه بر آن نقش این سازمان، به عنوان مؤسسه‌ای تخصصی در نظام ملل متحد مورد توجه دیوان قرار گرفته و تأکید شده است که بر خلاف

صدور رأی مشورتی وجود ندارد. در بررسی این موضوع، دیوان صلاحیت خود را در هر یک از دو پرونده جداگانه بررسی کرده و به نتایج متفاوتی رسیده است: الفدر رد درخواست سازمان بهداشت جهانی

دیوان بین‌المللی دادگستری معتقد است که برای اجابت درخواست یک مؤسسه تخصصی جهت صدور رأی مشورتی تحقق سه شرط ضروری است: مؤسسه موردنظر اجازه چنین درخواستی را داشته باشد؛ موضوع مورد بحث مربوط به مسئله‌ای حقوقی باشد و این موضوع در حیطه اختیارات آن مؤسسه تخصصی باشد.^۱ از نظر دیوان، دو شرط اول و دوم محقق شده است؛ زیرا: ۱- از بررسی ماده ۷۶ اساسنامه سازمان بهداشت جهانی و ماده ۱۰ موافقت‌نامه منعقدشده بین این سازمان و سازمان ملل متحد تردیدی به جا نمی‌ماند که سازمان مذکور اجازه چنین درخواستی را داشته است و ۲- سؤال مورد بحث که پاسخگویی به آن مستلزم شناسایی تعهد دولت‌ها به موجب قواعد حقوقی مطرح شده در این پرونده و ارزیابی انطباق موضع آن با تعهدات مورد بحث است، سؤالی «حقوقی» است.

در مورد شرط سوم، دیوان به تفسیر اساسنامه سازمان بهداشت جهانی و نیز بررسی عملکرد آن سازمان پرداخت.

به عقیده دیوان اگرچه سازمان بهداشت جهانی اختیار آن را دارد که به بررسی تأثیر سلاح‌های هسته‌ای با هر نوع فعالیت

۱. دیران بین‌المللی دادگستری، بیابیه مطبوعاتی، ش ۹۶/۲۲، ژوئیه ۱۹۹۶، ص ۳.

2. Principle of Speciality.

حقوق

عمومی و موضوعات دستور کار آن مرتبط است. از آن جمله باید به مسائل مربوط به خلع سلاح، تهدید یا توسل به زور در روابط بین‌المللی و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل اشاره کرد.

دیگر استدلال مخالف بر این نکته استوار بوده است که سؤال مجمع عمومی با انگیزه‌های سیاسی طرح شده است و پاسخ دیوان نیز تبعات و آثار سیاسی به دنبال خواهد داشت و به همین دلیل سؤالی صرفاً «حقوقی» به گونه‌ای که در ماده ۹۶ منشور مورد اشاره قرار گرفته است، محسوب نمی‌شود. ایران در پاسخ به نظر مشورتی قبلی خود در پرونده صحرائی غربی اشاره کرد که در آن اعلام شده بود، سؤالاتی که به زبان حقوقی تنظیم شده است و مسائلی را در مورد حقوق بین‌الملل مطرح می‌کند... فی‌نفسه مستلزم ارائه پاسخ حقوقی بوده است... و به نظر می‌رسد که سؤالاتی با ماهیت حقوقی باشند. سؤال در مورد مشروعیت تهدید یا به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای نیز سؤالی حقوقی است؛ زیرا از دیوان خواسته شده است تا با در نظر گرفتن اصول و قواعد حقوق بین‌الملل پاسخ بدهد که این کار مستلزم شناسایی اصول و قواعد موجود، تفسیر و سپس بررسی انطباق آنها با موضوع مورد بحث است.

این‌که چنین سؤالی ماهیت سیاسی هم

سازمان ملل متحد که اختیاراتی با دامنه شمول عام دارد، اختیارات سازمان‌های تخصصی به بخش‌ها و موضوعات خاص محدود شود. لذا سازمان بهداشت جهانی نمی‌تواند به مسائلی نظیر خلع سلاح و کنترل تسلیحات بپردازد که در قلمرو وظایف سایر ارکان نظام ملل متحد قرار می‌گیرد.

با عنایت به این استدلال‌ها، دیوان بین‌المللی دادگستری برای نخستین بار از پاسخگویی به تقاضای نظر مشورتی خودداری کرد.

ب- صلاحیت دیوان در پاسخ به سؤال مجمع عمومی

در پرونده مربوط به سؤال مجمع عمومی، برخلاف سؤال سازمان بهداشت جهانی، دیوان استدلال‌های مخالفان را نپذیرفت و نظر مشورتی خود را اعلام کرد. یکی از دلایل مخالفان صدور رأی مشورتی آن بود که مجمع عمومی و شورای امنیت، همانند سایر ارکان ملل متحد و مؤسسات تخصصی، فقط می‌توانند در محدوده فعالیت‌های خود چنین تقاضایی بکنند. دیوان معتقد بود این مطلب که چنین تفسیری از ماده ۹۶ منشور درست باشد یا خیر چندان اهمیت ندارد، زیرا در پرونده مورد بحث، مجمع عمومی به هر صورت صلاحیت چنین کاری را خواهد داشت و این موضوع با در نظر گرفتن مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۳ منشور با بسیاری از فعالیت‌های مجمع

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری، بنایه مطبوعاتی، ش ۹۶/۲۳، (۸ ژوئیه ۱۹۹۶)، ص ۳-۴



داشته باشد، تأثیری بر ویژگی دیگر، «سؤال حقوقی» ندارد. انگیزه سیاسی طراحان سؤال و نیز آثار و تبعات سیاسی نظر مشورتی دیوان نیز ربطی به احراز صلاحیت دیوان ندارد.

ایراد دیگری که برای قانع کردن دیوان به عدم پاسخگویی به درخواست مجمع عمومی مطرح شد، به بند ۱ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان مربوط می‌شد. به موجب این ماده، دیوان «می‌تواند» نظر مشورتی بدهد. به عبارت دیگر اساسنامه به دیوان اختیار داده است که در صورت صلاحدید خود درخواست‌های نظر مشورتی را اجابت کند و در صورتی که ضروری ندانست از این کار خودداری کند. دیوان قبلاً نظر مشورتی خود را در پرونده تفسیر عهدنامه‌های صلح بلغارستان، مجارستان و رومانی اعلام کرده بود که نظر مشورتی خود را به ارگان درخواست کننده ارائه می‌دهد نه دولت‌ها؛ با توجه به این که دیوان خود رکنی از سازمان ملل متحد محسوب می‌شود، علی‌الاصول نباید از اعلام نظر مشورتی خودداری کند زیرا این امر (یعنی اعلام نظر مشورتی) نمایانگر مشارکت دیوان در فعالیت‌های سازمان ملل می‌باشد.

از جمله دلایلی که از سوی دولت‌ها در این خصوص ابراز شد، این بود که سؤال مطرح شده نزد دیوان مبهم و انتزاعی است^۱ و اعتقاد داشتند که اختلاف بین‌المللی خاصی در مورد محتوای سؤال وجود ندارد. دیوان در پاسخ، بین مقتضیات حاکم بر پرونده‌های ترافعی و نظرات مشورتی،

تفکیک قائل شده و معتقد است که در آرای مشورتی وظیفه دیوان، حداقل به طور مستقیم، آن نیست که اختلافات دولت‌ها را حل و فصل کند، بلکه آن است که به ارگان‌ها و مؤسسات سؤال‌کننده رهنمودهای حقوقی ارائه دهد. در نتیجه، این که سؤال مورد بحث به اختلاف خاصی مربوط نمی‌شود، موجب نخواهد شد که دیوان از ارائه نظر مشورتی خودداری کند.

ایراهای دیگر بدین قرار بودند: ماهیت انتزاعی سؤال، دیوان را وادار به اظهارنظرهای فرضی یا ذهنی می‌کند که فراتر از محدوده وظایف قضایی آن قرار می‌گیرد؛ مجمع عمومی توضیح نداده است که دقیقاً برای چه منظوری خواستار نظر مشورتی دیوان شده است؛ هرگونه پاسخی از جانب دیوان در این پرونده، ممکن است بر جریان مذاکرات خلع سلاح اثر سوء برجاگذارد و در نتیجه مخالف منافع سازمان ملل متحد باشد؛ دیوان با پاسخ به این سؤال از قلمرو ایفای وظیفه قضایی خود فراتر می‌رود و برای خود نقش و صلاحیت قانونگذاری قائل می‌شود.

دیوان هیچ‌یک از این استدلال‌ها را نپذیرفت و نتیجه گرفت که هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که اراده خود را برای پاسخگویی به این سؤال به کار نگیرد. و نهایتاً تصمیم گرفت تقاضای مجمع عمومی را بپذیرد.^۲

۱. Abstract.

۲. تصمیم دیوان در این خصوص؛ سیزده رأی مثبت در برابر یک رأی منفی اتخاذ شد. تنها رأی منفی متعلق به قاضی ←

حقوق

۴- نظر مشورتی دیوان در مورد مشروعیت تهدید یا به کارگیری سلاح هسته‌ای

الف- قواعد حقوقی اعمال پذیر

دیوان برای پاسخ دادن به سؤال مجمع عمومی ابتدا کوشش کرد از میان مجموعه متنوع و گسترده اصول و قواعد حقوقی بین‌المللی، قواعدی را که با موضوع مورد بحث ارتباط می‌یابد مشخص کند و به بررسی آنها بپردازد.

در جریان رسیدگی به پرونده، دولت‌ها به اصول و قواعد حقوقی متعددی اشاره کرده بودند که شامل قواعد ناظر بر به کارگیری زور در روابط بین‌الملل تا حقوق بشر می‌شد. دیوان در شناسایی قواعد اعمال پذیر در این پرونده، برخی از موارد مطرح شده را فاقد ارتباط مستقیم با آن شناخته و آنها را در استدلال‌های خود به کار گرفته است. از جمله این موارد آن بود که طرفداران عدم مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، تلفات جانی ناشی از این سلاح‌ها را در حکم محروم کردن خودسرانه افراد بشر از حق زندگی تلقی می‌کردند که با مقررات ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مغایرت دارد. دیوان اعلام کرده است که صحت این استدلال را تنها با تکیه بر حقوق اعمال پذیر در مشخصات مسلحانه می‌توان تعیین کرد، نه با تعهدات ناشی از میثاق. در مورد استدلال دیگر، یعنی این‌که به کارگیری سلاح هسته‌ای در حکم

کشار دسته‌جمعی^۱ محسوب می‌شود، دیوان اعلام کرد که در صورتی می‌توان چنین استدلالی را پذیرفت که توسل به سلاح هسته‌ای با عنصر قصد یا نیت نسبت به یک گروه معین، به گونه‌ای که در ماده دوم کنوانسیون مورخ ۱۹۴۸ منع و مجازات کشار دسته‌جمعی پیش‌بینی شده است، همراه باشد. این امر مستلزم آن خواهد بود که چنین حوادثی به طور جداگانه و موردی ارزیابی و قضاوت شود. در مورد تسری قواعد ناظر بر حفظ و حمایت از محیط زیست به موضوع کاربرد سلاح‌های هسته‌ای، دیوان معتقد است که تنها در چارچوب اجرای اصول و قواعد اعمال پذیر در مشخصات مسلحانه می‌توان به این گونه قواعد استناد کرد.

با عنایت به این ملاحظات، دیوان قواعد حقوقی اعمال پذیر در این پرونده را در سه زمینه خاص احصا کرد:

۱- مقررات منشور ملل متحد در مورد توسل به زور

۲- قواعد اعمال پذیر در مشخصات مسلحانه که نحوه اداره مشخصات را

→ زاینی ODA بوده که اعتقاد داشت رأی مشورتی تنها هنگامی باید صادر شود که واقعاً ضرورت داشته باشد و در پرونده کنونی نیازی به پاسخگویی به درخواست مجمع عمومی برای اعلام نظر مشورتی پیرامون حقوق بین‌المللی کنونی ناظر بر کاربرد سلاح‌های هسته‌ای نیست و این کار هیچ توجیه منطقی ندارد. وی تأکید داشت که نباید از نقش مشورتی دیوان سوءاستفاده شود.

1. Genocide



در مواد فوق‌الذکر اشاره به نوع خاصی از تسلیحات نشده است و اصولاً منشور هیچ اسلحه خاصی، از جمله سلاح هسته‌ای را به طور صریح ممنوع نکرده یا مجاز نشمرده است.

از طرف دیگر حق دفاع از خود، موضوع ماده ۵۱ تابع دو شرط ضرورت و تناسب است. دیوان قبلاً در پرونده شکایت نیکاراگونه علیه امریکا این دو اصل را قاعده‌ای محرز در حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته بود. از نظر دیوان به اصل تناسب نمی‌توان به تنهایی برای منع به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای استناد کرد، اما در عین حال توسل به زور به هنگام دفاع از خود که در آن این اصل مهم رعایت شده باشد در صورتی مشروع است که شرایط و مقتضیات حقوقی مشخصات مسلحانه که به ویژه شامل اصول و قواعد حقوق بشر دوستانه می‌شود را نیز داشته باشد.

دیوان معتقد است دولت‌هایی که مدعی هستند توانایی به‌کارگیری سلاح هسته‌ای در دفاع از خود را با رعایت اصل تناسب دارند، بسایند ماهیت و طبیعت انواع سلاح‌های هسته‌ای و خطرات عمیقی را که با آنها همراه است در نظر بگیرند.

دیوان سپس به موضوع «تهدید» به استفاده از سلاح هسته‌ای پرداخته و اعلام کرده است که گاهی اوقات دولت‌ها برای کاهش یا از میان برداشتن خطر حمله مسلحانه از جانب دیگران اعلام می‌کنند که نوع خاصی از سلاح برای دفاع از خود در برابر هر دولتی که تمامیت ارضی یا استقلال

منظم می‌کند؛

۳- هر معاهده خاص دیگری که امکان داشته باشد که به موضوع مورد بحث ارتباط پیدا کند.

آنچه دیوان پیش از ورود در جزئیات امر تأکید کرده است، ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد سلاح‌های هسته‌ای است که آنها را از سایر انواع تسلیحات متمایز می‌کند.

به عقیده دیوان توان تخریبی این سلاح‌ها، توانایی آنها در وارد کردن تلفات انسانی بی‌شمار و قابلیت آنها برای صدمه رساندن حتی به نسل‌های بعدی، از جمله نکاتی است که در بررسی صحیح قواعد ناظر بر توسل به زور و حقوق مشخصات مسلحانه مدنظر قرار گیرد.

ب- مقررات منشور ملل متحد در مورد تهدید یا توسل به زور

در بند ۴ از ماده ۲ منشور، استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر طریق دیگر که با اهداف ملل متحد منطبق نباشد منع شده است. به عقیده دیوان بین‌المللی دادگستری به این ممنوعیت باید در کنار سایر مقررات منشور نگاه شود.

در ماده ۵۱ منشور حق ذاتی دفاع از خود به طریق انفرادی یا دسته‌جمعی در صورت حمله مسلحانه به رسمیت شناخته شده است. کاربرد دیگر زور در منشور در ماده ۴۲ پیش‌بینی شده است که به موجب آن شورای امنیت می‌تواند دست به اقدامات اجرایی نظامی بر طبق فصل هفتم بزند.

حقوق

دیوان در این امر متفق القول بودند که در حقوق بین‌الملل عرفی یا قراردادی هیچ قاعده خاصی وجود ندارد که تهدید یا به‌کارگیری سلاح هسته‌ای یا هر سلاح دیگری را به طور کلی یا در شرایط خاصی، به ویژه در زمان اعمال حق دفاع مشروع از خود، مجاز بشمارد. اما در عین حال، هیچ اصل یا قاعده دیگری هم در حقوق بین‌الملل نیست که مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای - یا هر نوع سلاح دیگر - را منوط به اجازه خاصی کند. رویه دولت‌ها حاکی از آن است که عدم مشروعیت به‌کارگیری برخی از سلاح‌ها فی‌نفسه، ناشی از «فقدان مجوز» نبوده، بلکه برعکس به صورت «ممنوعیت» متجلی شده است.

به عقیده دیوان به نظر نمی‌رسد که بتوان به استناد برخی از مقررات اعلامیه دوم لاهه ۱۸۹۹، مقررات منضم به کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ یا پروتکل ژنو ۱۹۲۵ سلاح‌های هسته‌ای را به طور خاصی ممنوع قلمداد کرد. تاکنون رویه آن بوده است که ممنوعیت سلاح‌های کشتار جمعی به موجب اسناد خاصی محرز شمرده می‌شود. اما دیوان هیچ ممنوعیت خاصی برای سلاح‌های هسته‌ای که صراحتاً برخی از سلاح‌های کشتار جمعی را منع می‌کند نیافته و ملاحظه کرده است، که اگر در دو دهه گذشته مذاکرات متعددی در این خصوص صورت گرفته، اما منجر به انعقاد معاهده‌ای شبیه آنچه در مورد سلاح‌های میکروبی یا شیمیایی به دست

سیاسی آنها را نقض کند در اختیار دارند. از نظر دیوان این که آیا چنین قصد یا نیت اعلام شده‌ای مبنی بر توسل به زور در صورت تحقق برخی وقایع، در حکم «تهدید» به مفهوم مندرج در بند ۴ ماده ۲ محسوب شود یا خیر به عوامل مختلفی بستگی دارد. از این دیدگاه، لازم است به «تهدید» و «استفاده» از زور در کنار یکدیگر توجه کنند. بدین معنی که هر گاه استفاده از زور در وضعیت خاصی - به هر دلیل - نامشروع باشد، تهدید به این نوع استفاده از زور نیز بالطبع غیر مشروع خواهد بود.

به عبارت دیگر آمادگی اعلام شده یک دولت برای استفاده از زور در صورتی مشروعیت پیدا می‌کند که نفس استفاده از زور در این موارد نیز با منشور منطبق باشد.

ج- مشروعیت یا عدم مشروعیت سلاح هسته‌ای

دیوان پس از بررسی مقررات مربوط منشور ملل متحد، راجع به ممنوعیت تهدید یا توسل به زور به قواعد حقوقی حاکم بر مختصات مسلحانه اشاره کرد. ابتدا به این سؤال توجه شد که آیا قاعده خاصی در حقوق بین‌الملل وجود دارد که مشروعیت یا عدم مشروعیت به‌کارگیری سلاح هسته‌ای، را فی‌نفسه تحت نظم و قاعده درآورده باشد یا خیر. در اینجا دیوان، بر مجاز یا ممنوع بودن تهدید یا به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای جداگانه بحث کرد. کلیه قضات



مواجهه نشده است.

دیوان سپس به بررسی این مطلب پرداخت که آیا می‌توان در حقوق بین‌الملل عرفی قاعده‌ای در ممنوعیت تهدید یا به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای یافت یا خیر؟ به عقیده دیوان در بین اعضای جامعه بین‌المللی بر سر این که عدم به‌کارگیری سلاح هسته‌ای در پنجاه سال گذشته بیانگر باور و اعتقادی حقوقی^۱ باشد، اختلاف نظر عمیقی وجود دارد و در این شرایط نمی‌توان وجود چنین اعتقاد و باور حقوقی را تأیید کرد. از دیوان قطعنامه‌هایی که هر سال با پشتیبانی اکثریت چشمگیری از دولت‌ها در مجمع عمومی به تصویب می‌رسد، ضمن یادآوری مفاد قطعنامه (۱۶) ۱۶۵۳، از دولت‌ها می‌خواهد کنوانسیون دایر بر ممنوعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای - در هر شرایط - منعقد کنند، صرفاً نمایانگر تمایل بخش بزرگی از جامعه بین‌المللی به خلع سلاح کامل هسته‌ای از طریق ممنوعیت کاربرد این سلاح‌هاست. تنش و اختلاف نظر مداوم بین طرفداران شکل‌گیری این باور حقوقی از یک‌سو و طرفداران دکترین بازدارندگی از سوی دیگر، مانع از ظهور قاعده‌ای عرفی شده است که قاعده موضوعی لازم الاجرای^۲ کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را به طور خاص منع کند. دکترین بازدارندگی مبتنی بر آن است که دولت‌ها حق دارند در صورت

آمد، نشده است. معاهداتی که منحصرأ به اکتساب، تولید، تملک، نصب و آزمایش سلاح‌های هسته‌ای اشاره دارند، بدون آن که به طور خاصی به تهدید یا استفاده از آن بپردازند، به طور قطع از نگرانی روزافزون جامعه بین‌المللی حکایت می‌کند؛ دیوان از این امر این‌طور استنتاج می‌کند که این معاهدات می‌تواند پیش‌درآمد ممنوعیت عمومی کاربرد این قبیل سلاح‌ها در آینده باشد، اما خود فی‌نفسه چنین محدودیتی دربر ندارد.

با توجه به این که در جریان رسیدگی به پرونده معاهدات تلاتوکو^۳ و زاروتونگا^۴ و پروتکل‌های آنها و نیز اعلامیه‌های مربوط به تهدید نامحدود معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای اشاره شده بود، دیوان معتقد است که از اسناد مذکور تنها می‌توان به این نتایج رسید:

- تعدادی از دولت‌ها متعهد شده‌اند که در مناطقی خاص (امریکای لاتین و جنوب اقیانوس آرام) یا بر ضد برخی کشورها (کشورهای عضو معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای که فاقد چنین سلاح‌هایی هستند) سلاح هسته‌ای به کار نگیرند؛

- حتی در این چارچوب نیز دولت‌هایی که سلاح هسته‌ای دارند، حق خود را برای به‌کارگیری این سلاح‌ها در شرایط معینی محفوظ داشته‌اند؛

- این اعلام تحفظ‌ها با اعتراض سایر دولت‌های عنصر معاهدات تلاتوکو یا زاروتونگا یا مخالفت شورای امنیت

1. Tlatelcoo
2. Rarotonga
3. Opinion Juris.
4. Lex Litu.

حقوق

دیوان همچنین به شرط مارتن^۱ اشاره کرد که ابتدا در کنوانسیون دوم راجع به قواعد رسوم جنگ زمینی مورخ ۱۸۹۹ درج شده بود و واکنش مؤثری بود که در پاسخ به تحول سریع تکنولوژی نظامی، صورت گرفت. نگارش جدیدتری از این شرط در ماده اول پروتکل ۱۹۷۷ به چشم می‌خورد: «در مواردی که در این پروتکل یا سایر توافق‌های بین‌المللی پیش‌بینی شده باشد، غیرنظامی‌ها و افراد رزمنده تحت حمایت اصول حقوق بین‌الملل ناشی از عرف مسلم، اصول بشریت و ندای وجدان عمومی خواهند بود».

تدوین گسترده حقوق بشردوستانه و الحاق دولت‌ها به معاهدات مربوط به آن، و نیز این حقیقت که هیچ دولتی تاکنون از این قبیل معاهدات خارج نشده است، برای جامعه بین‌الملل مجموعه‌ای از قواعد قراردادی را به وجود آورده است که بخش اعظم آن پیشاپیش به صورت عرف درآمده و منعکس‌کننده اصول بشردوستانه‌ای است که جهان شمول شده است. این قواعد بیانگر رفتار و عملکردی عادی است که از دولت‌ها انتظار می‌رود آن را مراعات کنند.

در مورد قابلیت اطلاق اصول و قواعد بشردوستانه بین‌المللی به موارد تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای، دیوان به این نکته توجه کرد که سلاح هسته‌ای در زمانی اختراع شد که اکثر اصول و قواعد حقوق

مواجهه با حمله مسلحانه‌ای که منافع حیاتی‌شان را در معرض خطر قرار می‌دهد، از این سلاح‌ها برای دفاع از خود استفاده کنند.

د- حقوق بین‌الملل بشردوستانه

دیوان بین‌الملل دادگستری سپس به بررسی این مطلب پرداخت که آیا از اصول و قواعد حقوق بشردوستانه اعمال‌پذیر در مختصات مسلحانه و حقوق بین‌المللی می‌تواند عدم مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای را استنتاج کند یا خیر. با بررسی روند تحول تاریخی مجموعه قواعدی که ابتدا «قواعد و رسوم جنگ» خوانده می‌شد و سپس «حقوق بشردوستانه بین‌المللی» نام گرفت، دیوان اظهار داشت که اصول بنیادین قواعد مذکور به قرار زیر است: هدف نخستین اصل، حمایت از سکنه و اهداف غیرنظامی است و قائل به تفکیک افراد رزمنده و غیررزمنده است؛ دولت‌ها هیچ‌گاه نباید غیرنظامی‌ها را هدف قرار دهند یا از سلاح‌هایی استفاده کنند که قادر به تفکیک بین اهداف نظامی و غیرنظامی نیستند. به موجب اصل دوم وارد کردن صدمات غیر ضروری به افراد رزمنده ممنوع است؛ لذا به کارگرفتن سلاح‌هایی که موجب چنین صدماتی می‌شود یا جراحات افراد را بدون هیچ ضرورتی شدت می‌بخشد نیز ممنوع است. در اجرای اصل دوم گفته می‌شود که دولت‌ها در انتخاب سلاح‌هایی که به کار می‌گیرند آزادی نامحدود ندارند.

1. Marten's Clause.



دلیل آثار تفکیک نشدنی آن، هیچ‌گاه با اصول و قواعد حقوق بشردوستانه منطبق نیست و به همین جهت ممنوع است. نظر مشابهی هم در مورد اصل بی‌طرفی ابراز شده است.

دیوان در نهایت معتقد است که به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد سلاح‌های هسته‌ای، خیلی بعید است که کاربرد آنها با مقتضیات حقوقی مشخصات مسلحانه جمع‌شدنی باشد. با وجود این، دیوان دلایل کافی ندارد که بتواند با قاطعیت مغایرت سلاح‌های هسته‌ای را با اصول و قواعد حقوقی مشخصات مسلحانه اعلام کند. به علاوه، دیوان معتقد است که نمی‌تواند حق بنیادین دولت‌ها برای بقا و در نتیجه حق دفاع از خود - به نحو مندرج در ماده ۵۱ منشور - را هنگامی که حیات و بقای آن در معرض خطر است نادیده بگیرد. دیوان همچنین نمی‌تواند دیدگاه خود را بر رویه موسوم به «سیاست بازدارندگی» ببندد که بخش قابل توجهی از جامعه بین‌المللی برای سال‌ها به آن وفادار بوده‌اند. به همین جهت نمی‌تواند در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت کاربرد سلاح هسته‌ای هنگامی که بقای دولتی در معرض خطر باشد نظریه‌ای قطعی بدهد.^۱

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری سؤال مجمع عمومی را با توجه به نظرات متفاوت قضات در بندهای جداگانه‌ای تنظیم کرده و به رای گذاشته است. قسمت‌هایی از رای دیوان که به طور مستقیم به سؤال مجمع عمومی ارتباط پیدا می‌کرد به شرح زیر است:

- هیچ قاعده حقوقی بین‌المللی عرفی و قراردادی وجود ندارد که به طور خاص تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای را

بشردوستانه قبل از آن شکل گرفته بود؛ کنفرانس‌های ۷۷-۱۹۷۴ و ۱۹۴۹ بحث در مورد این سلاح‌ها را به کناری نهادند. علاوه بر آن بین این نوع سلاح با سایر انواع تسلیحات تفاوت‌های کمی و کیفی فراوانی وجود دارد. با این حال، دیوان معتقد است که نمی‌توان این طور نتیجه گرفت که اصول و قواعد مسلم حقوق بشردوستانه به سلاح‌های هسته‌ای اعمال نمی‌شود. چنین استنتاجی با خصوصیت ذاتاً بشر دوستانه اصول حقوقی مورد بحث مغایرت دارد. این اصول به تمام اشکال مشخصات مسلحانه و هر نوع سلاح تسری می‌یابد.

در مورد اصل بی‌طرفی نیز که در جریان رسیدگی اشاره شده بود، دیوان تردیدی ندارد که اصل بی‌طرفی - صرف نظر از محتوای آن - ماهیتی بنیادین نظیر اصول و قواعد حقوق بشردوستانه دارد که در صورت رعایت مقررات منشور ملل متحد در کلیه مشخصات مسلحانه اعمال می‌شود، بدون توجه به این‌که چه نوع سلاح‌هایی در آن به کار گرفته شده باشد.

اگرچه دیوان اطلاق اصول و قواعد حقوق بشردوستانه و اصل بی‌طرفی به سلاح‌های هسته‌ای را به زحمت تردید کرده است، اما معتقد است در مورد استنتاج‌هایی که از آن می‌شود اختلاف نظر وجود دارد. طرفداران یک نظریه معتقدند این حقیقت که توسل به سلاح‌های هسته‌ای تابع حقوقی مشخصات باشد، الزاماً به معنی ممنوع بودن این عمل نخواهد بود. نظر دیگر مبتنی بر آن است که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به

حقوق

به نتیجه رساندن آن، رسماً ۱۸۲ دولت عضو معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و به عبارت دیگر اکثریت قریب به اتفاق جامعه بین‌المللی، را شامل می‌شود. در واقع هر کوشش واقع بینانه‌ای که برای دست یافتن به خلع سلاح عمومی و کامل به خصوص خلع سلاح هسته‌ای صورت می‌گیرد، نیازمند همکاری همه دولت‌هاست.^۱

□□□

ه- تعهد به مذاکره درخصوص خلع سلاح هسته‌ای

دیوان با مسائل مشکلی که در نتیجه اعمال حقوق ناظر بر توسل به زور و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در پرونده حاضر پیش آمده است، ضروری دانست که موضوع را از دید وسیع‌تر نیز مورد توجه قرار داده نظر خود را درباره و جنبه‌های دیگری غیر از آن چیزی که مجمع عمومی سؤال کرده بود، اعلام کند. به عقیده دیوان در درازمدت، حقوق بین‌الملل و ثبات نظم بین‌المللی که لازم و ملزوم یکدیگر به شمار می‌آیند، از اختلاف نظر مداوم بر سر وضعیت حقوقی سلاح‌های کشته‌ای نظیر سلاح هسته‌ای نطفه می‌بیند و در نتیجه، خاتمه دادن به این وضعیت ضرورت پیدا می‌کند. بدیهی است که خلع سلاح کامل هسته‌ای مناسبترین راه برای تحقق این هدف است.

در این شرایط، اهمیت تعهد به مذاکره توأم با حسن نیت که برای خلع سلاح هسته‌ای که در ماده ۶ معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای مورد اشاره قرار گرفته است، به درستی درک می‌شود. تأثیر حقوقی این تعهد از حد یک تعهد صرف به نوع خاصی از رفتار دولت‌ها فراتر می‌رود، این تعهدی است برای دستیابی به یک هدف مشخص - یعنی خلع سلاح هسته‌ای در تمام ابعاد آن - از طریق اتخاذ یک رویه خاص، یعنی ادامه مذاکرات توأم با حسن نیت. این تعهد مضاعف به ادامه مذاکرات و

→
مجاز شماره (اتفاق آرا)

- در حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی هیچ ممنوعیت جامع و جهان‌شمولی در مورد تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای وضع نشده است (۱۱ رأی موافق در برابر ۳ رأی مخالف).

- تهدید یا توسل به زور یا استفاده از سلاح هسته‌ای که مغایر بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد باشد و در آن شرایط ماده ۵۱ رعایت نشده باشد، غیر قانونی است (اتفاق آرا).

- تهدید یا توسل به سلاح هسته‌ای می‌بایست با مقتضیات و شرایط حقوق بین‌الملل اعمال‌پذیر در مختصات مسدوده، به خصوص اصول و قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و نیز تعهدات خاص ناشی از معاهدات یا سایر تعهداتی که به صراحت به سلاح‌های هسته‌ای ارتباط می‌یابد، مطابقت داشته باشد (اتفاق آرا).

- از شرایط مقتضیات فوق این طور برمی‌آید که تهدید یا به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای به طور کلی مغایر حقوق بین‌الملل اعمال‌پذیر در مختصات مسدوده، به خصوص اصول و قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی است. مع ذلك با در نظر گرفتن وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل و عناصری از واقعات که در دسترس است، دیوان نمی‌تواند به طور قطع و یقین اعلام کند که تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای در شرایط حاد دفاع از خود که حیات و بقای دولتی در معرض خطر قرار می‌گیرد قانونی یا غیر قانونی است. (۷ رأی موافق در برابر ۷ رأی مخالف. به موجب آیین کار دیوان، رأی موافق رئیس دیوان، قاضی الجزایری در نصوب این پاسخ تعیین کننده بوده است.)
۱. این قسمت از رأی دیوان به اتفاق آرا کلیه قضات به تصویب رسیده است.